

چالش‌های مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی

علی‌اکبر باقری فر*

دکتر کیوان صالحی**

چکیده

از مهم‌ترین نشانه‌های حرکت شتابنده یک کشور در تحقق توسعه متوازن و پایدار، میزان و کیفیت سرمایه‌گذاری آن برای آموزش مهارتی است. پرواضح است که ضرورت این سرمایه‌گذاری در هنرستان‌های کار دانش و فنی و حرفه‌ای که همه‌ساله با تعداد زیادی از دانش‌آموزان سروکار دارد، دوچندان است. این توجه از آنجا نشأت می‌گیرد که امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، هنرستان‌ها به‌عنوان مراکز اصلی پرورش قابلیت تولید کار و شهروندانی کارآفرین (نه دانش‌آموزانی کارجو)، مورد توجه جدی متولیان آموزشی قرار دارد. در پژوهش حاضر سعی شده با استفاده از رویکرد کیفی، چالش‌های اساسی مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای پسرانه شهرستان تربت‌حیدریه مورد کنکاش و واکاوی قرار گیرد؛ از این رو، با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه ادراک آن‌ها از ماهیت و تنوع این چالش‌ها بازنمایی شده و عوامل زمینه‌ساز و شکل‌دهنده چالش‌ها، احصاء شده و بازنمایی شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان به روش هدفمند آغاز شد و در مجموع در مصاحبه چهل و پنجم (۱۵ هنرآموز و ۳۰ هنرجو) اشباع داده‌ها حاصل شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها، تلاش شد تا با استفاده از راهبرد گلایزی و مبتنی بر داده‌های روایتی به‌دست‌آمده از مصاحبه نیمه‌ساختارمند با شرکت‌کنندگان، ضمن درک پدیده مورد مطالعه از منظر آنان، نتایج پرمایه‌ای تولیدشده و باورپذیری نتایج ارتقاء یابد. نتایج نشان می‌دهد که ۱۰ چالش عمده در روند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین هنرستان‌ها وجود دارد. از جمله این چالش می‌توان «به‌روز نبودن تجهیزات کارگاهی و کتب درسی»، «ناکافی بودن منابع مالی»، «به‌روز نبودن روش‌های آموزشی هنرآموزان»، «عدم جذب دانش‌آموز مستعد و علاقه‌مند»، «نبودن زمان کافی برای مهارت‌آموزی»، «دیدگاه منفی والدین نسبت به هنرستان‌ها»، «عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته‌شده با نیازهای بازار کار»، «مشکل ادامه تحصیل» و «حمایت ناکافی رسانه‌ها از مهارت‌آموزی»، را نام برد که هر یک، مشکلات بسیار جدی در پویایی فرایند مهارت‌آموزی هنرستان‌ها و تربیت هنرجویان کارآفرین ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموزی، اشتغال، کارآفرینی، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، چالش‌ها.

* هنرآموز هنرستان و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران، Email: bagheryfara@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

تصویب نهایی: ۹۵/۰۱/۲۵

دریافت مقاله: ۹۴/۱۱/۲۰

مقدمه

بدون تردید، آموزش و پرورش تأثیری آشکار در افزایش تولید و درآمدها دارد و در این میان، آموزش متوسطه، به ویژه آنچه جنبه فنی و حرفه‌ای دارد، از مقوله سرمایه‌گذاری تولیدی و وسیله توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود: همان‌طور که از هنرستان‌ها انتظار می‌رود باید به‌عنوان مراکز تولید کار عمل کنند و شهروندان کارآفرین (نه دانش‌آموزان کارجو) تربیت نمایند (کاوسی، ۱۳۸۷). پرواضح است که آموزش و پرورش، عمل زیربنایی رشد و توسعه کشورها قلمداد شده است و از آن به‌منزله «صنعت رشد» یاد می‌شود، لیکن در حال حاضر نارضایتی بسیاری از دول جهانی، از عملکرد آموزش و پرورش حاکی از نگرانی آن‌ها از این موضوع است که اقتصاد کنونی و آینده و چالش‌های اجتماعی به نحوی مناسب پاسخگوی این نظام نیست. از دهه ۱۹۷۵ میلادی تاکنون اعتقاد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکایی این بوده است که کاهش رشد اقتصادی و شکست در رقابت‌های بین‌المللی به نحوی متأثر از عملکرد نظام آموزش و پرورش بوده است (ادنت و دیویس، ۲۰۰۲ به نقل از صالحی، زین‌آبادی و کیامنش، ۱۳۸۶). روشن است که رشد و توسعه اقتصادی کشورها با نظام آموزش و پرورش آن‌ها گره‌خورده است و مطالعات اقتصادسنجی^۲ بسیاری نیز نشان داده‌اند که آموزش و پرورش، شاخص پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود (ادنت، ۱۹۹۷؛ مارتین، ۱۹۹۸؛ دوتا و همکاران، ۱۹۹۹؛ پرسون و تابلیتی، ۱۹۹۴؛ هانوشک و کیمکو، ۲۰۰۰ به نقل از همان منبع). اکثر این مطالعات به استناد به نظریه «سرمایه انسانی»^۳ انجام گرفته‌اند. طبق این نظریه آموزش ابزار افزایش دروندادهای بازار کار و درنهایت اثربخشی بروندادهای آن است (ادنت و دیویس، ۲۰۰۲ به نقل از همان منبع) و به همین دلیل است که اکثر کشورهای توسعه‌یافته ۵ تا ۷ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به امر آموزش و پرورش اختصاص می‌دهند (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۰۲ به نقل از همان منبع).

با توجه به اهمیت نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و اشتغال، در طراحی نظام جدید آموزش متوسطه، کوشش شده جهت‌گیری این نظام به سمت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف آموزش فنون و مهارت‌های موردنیاز جامعه

1. Development Industry
2. Econometric
3. Human capital

باشد. یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم شود. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است. به‌عبارت‌دیگر، مهم‌ترین مشکلات برای کسب سه ویژگی کارایی، انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد. الف. ساختار اجرایی و آموزشی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، ب. ارتباط ضعیف بین آموزش فنی حرفه‌ای و مراکز تولیدی و خدماتی و ج. نبود پشتوانه علمی برای ارتقاء این آموزش‌ها (خلاق، ۱۳۸۲).

ظهور اقتصاد دانش‌محور^۱ در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به‌دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایه انسانی نقش محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفاء کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲)، به‌علاوه می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای^۲ به دلیل توأم کردن آموزش‌های نظری و عملی از توانایی زیادی در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت کارگر دانش‌مدار^۳ برخوردار است. از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی است و آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است، مزیت سرمایه دوم این است که به اتکای مهارت‌های کسب‌شده دارندگان آن را برای به‌دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث شده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در دستگاه‌های تعلیم و تربیت آن‌ها از دیرباز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مورد نظر واقع شوند (بکر^۴، ۱۹۶۴ به نقل از عیسی‌خانی، ۱۳۹۳).

پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای زیر بنایی در جامعه نقشی مهم و انکارناپذیر در آماده‌سازی و توزیع افراد جامعه در جایگاه مناسبشان بر عهده دارد. نیروی کار آموزش‌دیده برای دستیابی به توان اقتصادی در بخش‌های گوناگون جامعه نقش کلیدی دارد. به همین دلیل سرمایه‌گذاری برای آموزش

1. Knowledge base Economy
2. Vocational and Technical Educations
3. Knowledge- worker
4. Becker

فنی و حرفه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است (کشتی‌آرای، یوسفی و موسوی، ۱۳۹۱). تیلاک^۱ (۲۰۰۲) معتقد است نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از اجزاء مهم نظام آموزش و پرورش کشورها متصدی اصلی تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر در سطح پیش از دانشگاه است (به نقل از زین‌آبادی، صالحی و پرند، ۱۳۸۶). ساخاروپولوس و پاترینوس^۲ (۲۰۰۴)، معتقدند رشد و توسعه کشورها به میزان قابل توجهی از رشد و توسعه آموزشی تأثیر می‌پذیرد (همان منبع). یکی از شاخص‌های پیشرفت صنعتی، تربیت نیروی انسانی متخصص در رده‌های مختلف فنی است. هر کشوری که بتواند همزمان با رشد صنعتی، نیروی موردنیاز خود را نیز تأمین کند، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. آموزش نیروی انسانی به‌منظور توسعه سرمایه انسانی کارآمد و تأثیرگذار بر توسعه از وظایف مهم نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای است (به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۸۶).

به بیانی دیگر، می‌توان مهارت‌آموزی را جزء جدایی‌ناپذیر حفظ و ارتقاء ساختار پیچیده توسعه اجتماعی، اقتصادی و مدنی نوین برشمرد. آموزش‌های فنی - حرفه‌ای در نظام نوین اجتماعی، با فراهم آوردن زمینه‌های بروز مهارت‌های لازم برای بهتر زیستن شهروندان، نقش محوری را ایفا کرده و به یکی از خط‌مشی‌های اساسی کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای تربیت نیروی انسانی کارآمد در سطح پیش از دانشگاه تبدیل شده است (ڈرانی و صالحی، ۱۳۸۴).

یکی از مشکلاتی که فراروی جوامع بشری قرار دارد و کشورهای گوناگون را به چالش کشیده است، مسئله بیکاری است. عوامل بروز این پدیده در کشورهای مختلف به اختلافات گوناگون در ساختار اقتصادی، آموزشی و فرهنگی آن کشورها بازمی‌گردد. کشور ما نیز، نه‌تنها از هجوم تبعات اقتصادی و فرهنگی که از مسئله بیکاری ناشی می‌شود، مستثنی نیست، بلکه به دلیل ترکیب جوان جمعیت، در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار دارد. بیکاری، مانع رشد متوازن شخصیت و استقلال در جوانان است و به‌نوبه خود عامل اصلی جنایت و استعمال مواد مخدر به شمار می‌آید (به نقل از زین‌آبادی، صالحی و پرند، ۱۳۸۶). یکی از شروط لازم برای از بین بردن فقر و توسعه پایدار، اشتغال جوانان است. ایجاد تغییرات ساختاری در محتوای سیستم آموزش عالی و فنی حرفه‌ای کشور، توسعه آموزش‌های کاربردی منطبق با نیازهای بازار کار و الزامی نمودن کارآموزی در محیط کار هم‌زمان با تحصیل (هرندی و فلاح محسن خانی،

1. Tilak

2. Sacharopolos & Patrinos

۱۳۸۶)، آذر نوش و همکاران (۱۳۷۷) معتقدند، مراکز آموزشی ما باید بتوانند، باهدف آگاه کردن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان به‌وسیله برنامه‌های آموزشی از قبیل خلاقیت، توانایی، شناخت و استفاده صحیح از فرصت‌ها، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن ارائه دهند. افراد کارآفرین دارای انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل هستند (به نقل از ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵)، امروزه علاوه بر تحقیقات انجام‌شده برای اکثر دولتمردان و سیاست‌گذاران آشکارشده است که می‌توانند از طریق نظام آموزشی بر فراگیران تأثیر بگذارند و به این طریق میزان کارآفرینی را در جامعه افزایش دهند. با توجه به تحقیقات انجام‌شده، شاخه فنی و حرفه‌ای از نظر روحیه کارآفرینی از میانگین بالاتری نسبت به شاخه نظری و کاردانش برخوردار است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که روحیه کارآفرینی در صورتی در دانش آموزان پرورش می‌یابد که آموزش‌های لازم به‌صورت توأم هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ تئوری همراه باشد (خاتمی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۱).

یکی از دغدغه‌های مهم دولت ایجاد اشتغال پایدار در کشور است. برای رسیدن به این هدف مهم، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان راهکاری مناسب امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌منظور تحقق این هدف، باید فرهنگ مهارت‌آموزی در کشور نهادینه شود، زیرا نهادینه شدن فرهنگ مهارت‌آموزی ابزار اصلی و کلیدی برای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های اشتغال و اقتصاد مقاومتی است. بنابراین، اهمیت پژوهش فوق مبنی بر اینکه چه چالش‌هایی در روند مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها وجود دارد، می‌تواند در صورت روشن شدن این چالش‌ها و رفع آن‌ها، زمینه پیشرفت محسوس و قابل توجه هنرستان‌ها را فراهم کند و با هماهنگی سایر عوامل دخیل، ارتقاء سطح مهارت فنی و علمی هنرجویان را فراهم آورد و در نهایت، موجب رشد و بهره‌وری در صنعت و اشتغال کشور شده و حتی زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها فراهم شود و به رشد و شکوفایی اقتصادی کشور کمک شایانی کند و باعث اشتغال خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان بیکار و دانش‌آموخته‌های دبیرستانی و دانشگاهی شود. مسئله اصلی پژوهش حاضر فقدان شناخت و دانش کافی در خصوص چالش‌های موجود در مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای است. بنابراین، هدف پژوهشگر در این مطالعه، شناسایی و بازنمایی چالش‌های اصلی در فرایند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌ها است.

بررسی پیشینه پژوهش

صفر حیدری (۱۳۷۰)، نیز در مقایسه‌ای تطبیقی میان نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای ایران و ژاپن نتیجه گرفت که نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای ایران با نیازهای جامعه بیگانه است. در حالی که در کشور ژاپن، عموماً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از بستر نیاز جامعه در بخش‌های صنعتی و خدماتی منشعب می‌شود، براون و هاروی (۲۰۰۴)، معتقدند در کانادا طبق گزارش بخش آموزش و پرورش آمریکا (۲۰۰۱)، پیمایشی از فارغ‌التحصیلان رشته الکترونیک در ایالت اونتاریو در سال ۱۹۹۹ نشان داده است که ۸۹٪ آن‌ها، در شغل‌های مرتبط به کار بوده‌اند، این شواهد بیانگر عملکرد مطلوب و هدفمند در آموزش مهارتی در این کشورها است. البته گفتنی است که ویژگی‌هایی مانند مبتنی بر موردنیاز بودن و کاربردی بودن آموزش‌ها و تعامل کامل با بخش صنعت بر موفقیت این نظام در این کشورها افزوده است؛ مثلاً در کشور انگلستان، شرکت‌های بزرگ و کوچک صنعتی و بازرگانی از حدود هزار مدرسه حرفه‌ای حمایتی کنند و ۷۵٪ برنامه‌های کارآموزی را این شرکت‌ها ارائه می‌کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۸۶). بر اساس شواهد پژوهشی اشاره‌شده می‌توان گفت که عدم تحقق یافتن اهداف اجتماعی و آموزشی نظام‌های آموزشی، بیانگر ناکارآمدی آن‌ها در ایفای مأموریت‌های اساسی در جامعه است.

فرایند، کم‌توجهی به مقوله کارآفرینی و زایش تولیدات نوآورانه و نرخ پایین علاقه‌مندی به ثبت‌نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در برخی کشورها، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضرورت بازاندیشی و اصلاح در این نظام را به صورت بسیار جدی مطرح ساخته است (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶). آنچه از شواهد پژوهشی‌های موجود استنباط شده، مؤید این است که دانش‌آموزانی که در عرصه تحصیل و یادگیری در مدارس موفق هستند، نسبت به دیگر دانش‌آموزان، نرخ اشتغال بیشتری داشته و در عرصه شغلی نیز موفق بوده‌اند. اوگانلی^۱ (۲۰۰۶) معتقد است در حل مسائل مبتلابه صنعت کشور، در رفع نیازهای متنوع و متغیر فضای دگرگون جامعه، در مواجهه هوشمندانه با چالش‌های فراروی نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای، در رفع موانع اشتغال و کارآفرینی و ... خواهد بود (به نقل از همان منبع)؛ اما در عمل با داشتن هنرجویان دارای پیشرفت تحصیلی نه‌چندان مناسب، انتظار پرورش

1. Ogunleye

دانش‌آموختگانی بادانش، نگرش، مهارت و خلاقیت مطلوب آموزشی، منطقی نیست (همان منبع).

خلاقیتی (۱۳۸۱)، زیباکلام مفرد (۱۳۶۵)، فرشاد (۱۳۷۴) و جمال فر (۱۳۶۶)، در پژوهش‌های خود، یکی از اساسی‌ترین تنگناهای آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را عدم انطباق با نیازها و عدم توانایی در پاسخگویی به نیازهای صنعت و عدم ارتباط با این بخش برشمرده‌اند. آقازاده (۱۳۸۰)، معتقد است تاریخ آغاز نخستین آموزش‌های مهارتی را به‌طور رسمی شاید بتوان از دوران انقلاب صنعتی به بعد عنوان کرد. لی^۱ (۱۹۹۴) هانهارت و بوسیو^۲ (۱۹۹۸) معتقد هستند که امروزه این آموزش‌ها، با توجه به تحولاتی که پشت سر گذاشته است، در سطح پیش از دانشگاه و به‌طور رسمی دارای سه الگوی کلی است. هادلستون و اوه^۳ (۲۰۰۴) الف («الگوی بازارمحور»^۴) که مراد همان مراکز مهارت‌آموزی مستقر در مؤسسات تولیدی و خدماتی است. کشورهای انگلستان، امریکا و ژاپن از این الگو پیروی می‌کنند. لازم به ذکر است که نظام آموزش و پرورش ارتباطی با این الگو ندارد. ب) آموزش‌های مهارتی تمام‌وقت «که بر اساس آن آموزش مهارتی و آموزش عمومی مشترکان ارائه می‌شود و ارتباط آن با بازار کار ناچیز است». کشورهایمانند فرانسه، اسپانیا و ایران از این الگو پیروی می‌کنند. ج «الگوی کارورزی یا نظام دوگانه»^۵ که کشورهایی مانند آلمان، استرالیا و سوئیس بر اساس آن عمل می‌کنند. این الگو از آن جهت چنین نامی بر خود گرفته است که تحصیلات و مهارت‌آموزی در دو مدرسه و محیط کار صورت می‌گیرد. «یادگیری مرتبط باکار»^۶، اصل زیربنایی تشکیل این الگو است. در میان این الگوها، کارآمدی الگوی دوگانه یا الگوی کارورزی بیشتر است، زیرا که در این الگو هنرجو به‌نوعی آموخته‌های خود را در دنیای واقعی کار به‌بوته آزمایش می‌گذارد. البته ناگفته نماند که انتخاب الگوی اول، دوم یا سوم در اکثر مواقع متناسب با مقتضیات و شرایط کشورها صورت می‌گیرد. مثلاً همان‌گونه که کاسترو (۱۹۸۷) بیان کرده است، اجرای الگوی کارورزی در کشورهایی که میان صنعت و آموزش رابطه کمی وجود دارد با مشکل

1. Ley

2. Haddleston & Oh

3. Hanhart & Bossio

4. Market - Based

5. Dual system

6. Work related learning

مواجه می‌شود؛ «لی»، کشورهای کمتر توسعه‌یافته آفریقایی را مصداق این‌گونه از کشورها معرفی می‌کند. کشورهای آلمان، انگلستان، سوئیس، امریکا و فرانسه از جمله کشورهای مطرح در حوزه آموزش‌های مهارتی هستند که در میان آن‌ها دو کشور آلمان و انگلستان سوابقی درخشان دارند (به نقل از صالحی، زین‌آبادی و کیامنش، ۱۳۸۶). مدارس آلمانی پس از مدتی به‌صورت الگویی برای دیگر کشورهای اروپایی درآمد. ابتدا انگلیس و سپس اتریش، سوئد، ایتالیا، فرانسه و بالاخره روسیه به تقلید مدارس آلمان و برنامه و روش آن‌ها، مدارس حرفه‌ای ایجاد کردند (گاوسی و طهماسب، ۱۳۷۸).

نتایج پژوهش میر صنایع (۱۳۷۷)، نشان داد کاهش نسبت دانش‌آموز به معلم دارای بیشترین تأثیر در پیشرفت تحصیلی و رفتار و گرایش‌ها دانش‌آموز است. در بخش کالبدی و تجهیزات، شاخص‌های مربوط به نسبت تجهیزات اصلی کارگاه به هنرجو دارای بالاترین نمره و نسبت فضای ورزشی به هنرجو از پایین‌ترین نمره برخوردار بوده است (نقل از ساداتی و قهرمان، ۱۳۹۰).

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور پردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم شود. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلاق، ۱۳۸۲). هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای با اهداف مختلف، به‌ویژه تدارک زمینه‌های هدایت دانش‌آموزان به اشتغال و ادامه تحصیل تأسیس شده‌اند، اما کیفیت پایین آن‌ها و نبود ظرفیت لازم در جامعه، موانعی جدی در راه تحقق این اهداف در هنرستان‌ها بوده است. تزریق دانش‌آموزان باکیفیت پایین به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، نرخ بالای افت تحصیلی به‌ویژه در دروس عملی و مهارتی، غلبه روش‌های آموزش سخنرانی بر روش‌های حل مسئله، غلبه روش‌های مداد کاغذی ارزشیابی مبتنی بر عمل، غلبه روش‌های ارزشیابی پایانی بر روش‌های ارزشیابی فرایندی، کم‌توجه به مقوله کارآفرینی و زایش تولیدات نوآورانه و نرخ پایین علاقه‌مندی به ثبت‌نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در برخی کشورها، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضرورت بازاندیشی و اصلاح

در این نظام را به صورت بسیار جدی مطرح ساخته است (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶).

در راستای سیاست‌های کلی تولید و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، فرمایشات مقام معظم رهبری در چند سال اخیر و به خصوص در نام‌گذاری سال ۱۳۹۵ به عنوان «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سازمان‌دهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان، دستیابی به رتبه اول اقتصادی دانش‌بنیان در منطقه و با توجه به تجارب نقش‌آفرین کارآفرینان کشوری و استانی، باید «مهارت‌آموزی» را در سطح جامعه و آموزش و پرورش گسترش داد. از این رو، هدف اصلی در پژوهش حاضر، کسب درک عمیق از دیدگاه هنرآموزان (دبیران فنی) و هنرجویان (دانش‌آموزان سال دوم و سوم هنرستان) در خصوص مشکلات پیش‌رو در فرایند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های پسرانه فنی و حرفه‌ای شهرستان تربت‌حیدریه است و سؤال اصلی این است که چالش‌های مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌ها کدام‌اند؟

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی در تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است. به‌زعم بازرگان (۱۳۸۴)، بر اساس دیدگاه تفسیرگرایی، واقعیت، مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. انسان از طریق تجربه می‌تواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد. پژوهشگر از طریق تعامل با موضوع موردپژوهش، به شناخت آن نائل می‌شود. در این دیدگاه، شناخت امری عینی نیست و ابعاد و تفسیرهای گوناگون دارد (ص ۴۱). در رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به‌عنوان رویکرد اصلی در این مطالعه، باور بر این است که با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان، سیال بودن واقعیت اجتماعی و ساخته و معنادارشان در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها از آن، بنابراین، نمی‌توان مسیر و روش خاص برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آن‌ها پیشنهاد کرد (دنزین و لینکلن^۱، ۲۰۱۱؛ نیومن^۲، ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکلن^۳، ۲۰۰۵؛ گلیزر^۴، ۲۰۰۱). با توجه به این موضوع

1. Denzin & Lincoln
2. Neuman
3. Guba & Lincoln
4. Glaser

و با استفاده از دیدگاه بازرگان (۱۳۸۴)، برای انجام پژوهش‌های آموزشی که بتواند راهگشای شناخت عمقی عناصر نظام آموزشی باشد، باید از روش‌شناسی تفسیری استفاده کرد (نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش سعی گردید تا با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه به بازسازی معنایی ادراک هنرآموزان و هنرجویان از چالش‌های موجود در مهارت‌آموزی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای پرداخته‌شود و نشان دهد که این مشارکت‌کنندگان چه درکی از این پدیده دارند و آن را چطور درک و ارزیابی می‌کنند.

روش پژوهش

همان‌گونه که پیش از این در پیشینه تحقیقات اشاره شد، فقدان مطالعات عمیق در این حیطه، چالش‌های موجود در مهارت‌آموزی هنرستان‌ها را نشان می‌دهد و نیز اگر به درک یک مفهوم یا پدیده به دلیل آنکه درباره آن کم تحقیق شده است، نیاز داشته باشیم یا زمانی که پژوهشگر متغیرهای مهم اثرگذار بر مطالعه را نمی‌شناسد، رویکرد کیفی مفید است. این مسئله لزوم رویکردی اکتشافی برای کشف همه ابعاد پنهان و پیدای این پدیده را می‌طلبد. از این رو، تحقیق حاضر با اتخاذ رویکرد استقرایی به دنبال کشف هست. زمانی می‌توان از پژوهش کیفی استفاده کرد که بخواهیم یک پدیده را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داده و ضمن مطالعه افراد در شرایط طبیعی‌شان، تصویری تفصیلی از پدیده‌های مورد مطالعه را بازنمایی کرد (بازرگان، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، این مطالعه، با توجه به جمیع جهات و به‌ویژه ماهیت موضوع مورد بررسی، مبتنی بر پژوهشی کیفی با رویکرد آمیک^۱ انجام شده است. فن جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته است. سؤالات مصاحبه با این سؤال کلی «چالش‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها چیست» آغاز شد و سپس با سؤالات جزئی‌تر ادامه یافت.

درباره پایایی^۲ و روایی^۳ نتایج در پژوهش‌های کیفی می‌توان از چهار ملاک اعتبارپذیری (اعتبار درونی)، انتقال‌پذیری (اعتبار بیرونی، قابلیت اطمینان (پایایی) و تأییدپذیری (عینیت) نام برد؛ لینکن^۴ و گوبا (۱۹۸۵) به نقل از صدوقی (۱۳۸۷) چهار معیار ذیل را برای پژوهش‌های کیفی برشمرده‌اند؛

۱. رویکرد آمیک، یکی از مفاهیم بنیادی در روش‌شناسی کیفی است و به معنای درک، تفسیر و بازنمایی پدیده یا موضوع مورد بررسی «از نقطه نظرات افراد درگیر» با آن است.

2. Reliability
3. Vaidity
4. Lincon

✓ **قابل قبول بودن**^۱: این مفهوم جایگزین مفهوم روایی درونی است که از طریق آن، پژوهشگران به دنبال اثبات اطمینان به «درستی» یافته‌هایشان هستند؛ و توصیه می‌شود که پژوهشگران کیفی از «چک کردن اعضا» استفاده کنند. در اینجا رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش به شرکت‌کنندگان داده می‌شود تا ببینند که آنها با یافته‌های پژوهشگر موافق‌اند یا مخالف؛ به علاوه، قابل قبول بودن از طریق درگیر شدن طولانی‌مدت، در میدان و مشاهده مداوم و چندجانبه‌نگری داده‌ها به دست می‌آید.

✓ **انتقال‌پذیری**^۲: انتقال‌پذیری جایگزین مفهوم روایی بیرونی است. به‌جای هدف‌گیری برای نمونه‌گیری تصادفی و استدلال احتمالی، پژوهشگران کیفی به ارائه یک تصویر مفصل از زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است، ترغیب می‌شوند. در اینجا هدف، ارائه اطلاعات کافی به خواننده است برای قضاوت درباره کاربردپذیری یافته‌ها در محیط‌های دیگر؛

✓ **قابلیت اطمینان**^۳: این مفهوم جایگزین ایده اعتبار است و پژوهشگران را ترغیب می‌کند بازبینی را ممکن‌کنند (مستندسازی داده‌ها، روش‌ها و تصمیمات مربوط به پژوهش) که این می‌تواند امکان موشکافی و رسیدگی سایر پژوهشگران را ممکن کند.

✓ **تأییدپذیری**^۴: تأییدپذیری جایگزین مفهوم عینیت است و به رسیدگی و بازرسی به عنوان ابزاری برای اثبات کیفیت استناد می‌کند؛ برای مثال، پژوهشگر می‌تواند یک تحلیل خود انتقادی را از روش‌شناسی به کار رفته در پژوهش فراهم آورد. تکنیک‌هایی مانند چندجانبه‌نگری (برای داده‌ها، پژوهشگر و زمینه) نیز می‌تواند ابزار مفیدی برای تأییدپذیری باشند. در این پژوهش نیز این موارد در نظر گرفته شده است.

میدان تحقیق

میدان تحقیق مورد مطالعه در این پژوهش، هنرجویان هنرستان‌های پسرانه شهرستان تربت حیدریه، هستند. از طرفی، از آنجایی که موضوع تحقیق وابسته به تجارب افراد از چالش‌های مهارت‌آموزی است، سعی شده با مدیران، معاونین فنی، کارشناسان فنی، هنرآموزان و هنرجویان مصاحبه شود که آگاهی و اطلاع کافی از محیط هنرستان‌ها و چالش‌های مهارت‌آموزی در آن را دارند.

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Confirmability

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در روش‌های کیفی حجم نمونه مانند روش‌های کمی از قبل مشخص و معین نیست و بستگی به روند تحقیق و مقولات در حال تکوین دارد. در بررسی‌های کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری به صورت همزمان استفاده کرد. این دو نوع عبارتند از: نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نمونه‌گیری نظری^۲. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد پژوهش، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود. از سویی، حجم نمونه در مطالعات کیفی به سطح اشباع داده‌ها^۳ بستگی دارد؛ و به مرحله‌ای از گردآوری داده‌های کیفی اطلاق می‌شود که پاسخ‌های داده شده به سؤالات تحقیق و یا مصاحبه‌های انجام شده کافی به نظر می‌رسد؛ چراکه داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، مشابه و تکراری می‌شوند (به نقل از صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱). بر این اساس، در این پژوهش پس از انجام ۴۵ مصاحبه کیفی عمیق با هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌ها، اشباع داده‌ها حاصل شد. به منظور رعایت مسائل اخلاقی قبل از شروع مصاحبه با شرکت‌کنندگان، در مورد اهداف پژوهش آگاهی لازم به آنها داده شد و با رضایت کامل در پژوهش شرکت کردند. در خصوص محرمانه‌بودن اطلاعات، اطمینان لازم به آنها داده شد. مدت زمان مصاحبه از ۱۰ تا ۳۰ دقیقه متغیر بود.

یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای گلایزی استفاده شد. برای این کار، ابتدا سعی شد تمام مطالب ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان در مطالعه کلمه به کلمه به منظور مأنوس شدن با توصیف‌ها خوانده شود. سپس با دقت و بررسی چندباره، جملات مهم که مستقیماً به پدیده مورد نظر مربوط بودند، استخراج، سپس معنی هر عبارت توضیح داده شد. سپس داده‌های به دست آمده از مراحل قبل دسته‌بندی شدند. کدهای مختلف برای تشکیل دسته‌های کلی‌تر در هم ادغام شد، سپس نتایج به دست آمده با هم ترکیب شده و برای دستیابی به مفاهیم واضح بازنگری شدند تا به طور کامل گویا باشند و در پایان اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها، انجام شد. تا با استفاده از فن مصاحبه نیمه ساختارمند و داده‌های روایتی به دست آمده از مصاحبه با ۴۵ نفر از هنرآموزان و

1. Purposive Sampling
2. Theoretical Sampling
3. Data Saturation

هنرجویان هنرستان‌های پسرانه شهر تربت حیدریه، ضمن درک پدیده مورد مطالعه از منظر آنان، نتایج پرمایه‌ای تولید شده و باورپذیری نتایج ارتقاء یابد، این امر بر اهمیت و لزوم شناسایی، تحلیل باورها و ادراکات جامعه مورد پژوهش، صحنه می‌گذارد. تحلیل ادراکات و برداشت‌ها و تجارب زیسته آنها در خصوص چالش‌های احتمالی در روند مهارت‌آموزی را بازنمایی می‌کند. هدف این مقاله، قضاوت در مورد درستی یا نادرستی دیدگاه و ادراک هنرآموزان و هنرجویان نیست، بلکه هدف این است تا همچون آینه‌ای شفاف، ضمن توصیف، تحلیل و انعکاس سطح و عمق ذهنیات و ادراکات جامعه مورد پژوهش را در خصوص چالش‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، تبعات این چالش‌ها بر روند کار، مهارت‌آموزی و پیشرفت تحصیلی هنرجویان بازنمایی شود. هنگامی که پژوهشگر از شرکت‌کنندگان در پژوهش پرسید: «چالش‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها چیست؟»، با انبوهی از نظرات آنها مواجه شد. تحلیل عمق دیدگاه‌های آنها، موجب شناسایی و دسته‌بندی ده چالش اصلی در روند مهارت‌آموزی هنرستان‌ها شد. در ادامه هریک از چالش‌های بر شمرده شده به تفکیک مورد کنکاش عمیق قرار گرفته است.

تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز

تجهیزات فرسوده و یا ناقص مانع یاددهی و یادگیری کامل مهارت می‌شود. این مسئله باعث اتلاف وقت و نیز دلسردی هنرآموز و هنرجو از ادامه کار می‌شود. امکانات و تجهیزات هنرستان‌ها فرسوده و از رده خارج است و حتی پاسخگوی نیاز جمعیت کنونی هنرجویان هنرستان‌ها هم نیست. اصل آموزش در هنرستان‌ها تجهیزات است. تجهیزات هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای سال به سال تغییر می‌کند و اگر تجهیزات به روز نشود، هنرستان‌ها تعطیل می‌شوند.

✓ هنرجو با کد ۲۵ می‌گوید: "تجهیزات آموزشی رشته ما در هنرستان خیلی قدیمیه و امکانات آن کمه؛ و با وجود خرابی مجبوریم با همان‌ها بسازیم و این امر موجب کاهش انگیزه ما میشه".

✓ هنرآموزی با کد ۳ که ۲۷ سال سابقه تدریس دارد می‌گوید: "بعضی از تجهیزاتی که هنرجویان با آن کار می‌کنند مربوط به زمان دانش‌آموزی خودم است که واقعاً فرسوده می‌باشد و باید به روز شوند. متأسفانه وسایل و تجهیزات معیوب و قدیمی علاوه بر اتلاف وقت، باعث کم‌انگیزگی هنرجو برای یادگیری مهارت می‌شود و یادگیری کار دچار مشکل می‌شود".

به روز نبودن کتب درسی

وقتی کتاب‌های کارگاهی مطابق پیشرفت علمی روز دنیا باشد و نحوه نگارش آنها نیز جنبه عملی داشته باشد، می‌تواند در علاقه‌مندی هنرجویان و خلاقیت آنها تأثیر داشته باشد. متأسفانه کتب کارگاهی توسط اساتید محترمی نوشته می‌شود که شاید حتی یکسال هم در هنرستان‌ها این مهارت را تدریس نکرده‌اند و به همین خاطر بیشتر نگاه مؤلف به جنبه نظری مباحث است.

✓ هنرآموزی با کد ۹ که ۲۸ سال سابقه تدریس دارد و می‌گوید: "کتاب‌های درسی با پیشرفت علمی و صنعتی همراه نیست؛ مثلاً الان در کارگاه مهارتی را آموزش می‌دهم که حدود ۳۳ پیش خودم آموزش می‌دیدم؛ و کتاب‌های درسی شاید چندین بار عوض شده اما فقط طرح روی جلد و یا فونت نوشتاری و یا تصویرها عوض شده؛ مثلاً از مهارت‌هایی گفته که الان منسوخ شده و روش‌های به روز و خیلی دقیقی تری آمده؛ اما کتاب درسی متأسفانه هنوز در همان سی سال پیش است؛ و گذر زمان را احساس نکرده".

✓ هنرجوی با کد ۱۷ می‌گوید: "کتاب‌های کارگاهی اصلاً به روز نیستند و خیلی تئوری نوشته شدن و جنبه عملی آنها کمتره".

ناکافی بودن منابع مالی

پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای زیربنایی در جامعه نقشی مهم و انکارناپذیر در آماده‌سازی و توزیع افراد جامعه در جایگاه مناسبشان بر عهده دارد. نیروی کار آموزش‌دیده برای دستیابی به توان اقتصادی در بخش‌های گوناگون جامعه نقش کلیدی دارد. به همین دلیل سرمایه‌گذاری برای آموزش فنی و حرفه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است (کشتی‌آرای، یوسفی و موسوی، ۱۳۹۱).

✓ مدیر یکی از هنرستان‌ها با کد ۷ می‌گوید: "سرانه هر هنرجو ۵ سال پیش در یک سال تحصیلی حدود ۴۰ هزار تومان بوده و حالا پس از گذشت این مدت با توجه به تورم، حداقل باید به ۸۰ هزار تومان می‌رسید تا بتوانیم همان روال گذشته را داشته باشیم اما متأسفانه رشد منفی داشته و به ازاء هر هنرجو به ۱۰ حدود هزار تومان رسیده که برای پرداخت قبوض و خرید وسایل ضروری اداری هم کافی نیست چه رسد به خرید تجهیزات نو و غیره".

✓ هنرجوی با کد ۲۲ می‌گوید: "چرا باید به هنرستان‌ها بودجه دولتی ندن که برای هر چیزی از ما باید پول بگیرن، در کارگاه حتی وسایل مصرفی کارگاه را باید خودمان

پول بدیم، با آن وسایل خراب باز پول هم می‌گیرن، اما بیشتر وسایل خراب هستند. چرا اینقدر در کشور اسراف و حیف و میل میشه، اما برای آموزش دانش‌آموز پول کافی به آموزش و پرورش نمی‌دهند".

به‌روز نبودن اطلاعات و روش‌های آموزشی هنرآموزان

در یک مطالعه (هاچلندر، ۲۰۰۵) معلوم شد که بیشتر معلمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌منظور به‌کارگیری دانش آکادمیک در آموزش‌های فنی تربیت نشده‌اند و بیشتر معلمان دانشگاهی نیز اطلاع کمی در باره کاربرد دانش خودشان در صنایع و کارخانه‌ها دارند، اگر انتظار برنامه‌های فنی و حرفه‌ای نتیجه‌بخش را داریم، باید آنها اهداف آکادمیک و اهداف شغلی را با هم داشته باشند و کارهای زیادی در مورد طرح مجدد برنامه آموزشی انجام گیرد (کاووسی، ۱۳۸۷).

✓ هنرجوی با کد ۲۸ با اشاره به کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص بیان می‌کند: "برخی از دبیران برای تدریس از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند و گویی فقط برای انجام وظیفه در کلاس حاضر می‌شوند در حالی که آن‌ها می‌توانند با آموزش صحیح و تشویق دانش‌آموزان، بین آن‌ها رقابت به‌وجود آورند و موجب یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی آنها شوند".

✓ معاون فنی یکی از هنرستان‌ها با کد ۱۲ می‌گوید: "ضمن تشکر و سپاس از همکارانی که با توان فنی و علمی بالا، نهایت تلاش را در یادگیری بهتر کار توسط هنرجویان را دارند اما متأسفانه همکارانی هم هستند که خیلی بی‌انگیزه به کلاس و کارگاه می‌روند و از روش‌های منسوخ‌شده قدیمی برای تدریس استفاده می‌کنند و اصلاً به فکر بروز کردن اطلاعات و دانش فنی خود نیستند".

عدم جذب دانش‌آموز مستعد و علاقه‌مند

اهمیت به‌سزای نظام آموزش مهارتی و اثراتی که در بالندگی جامعه به همراه دارد، شناسایی و هدایت دانش‌آموزان علاقه‌مند و مستعد به تحصیل در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای از مهم‌ترین دغدغه‌ها و چالش‌های متولیان نظام آموزش مهارتی است. با توجه به اهمیت این آموزش‌های مهارتی از یکسو، فراگیری مسئله استقبال ناچیز دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌ها در سراسر کشور، یکی از چالش‌های مهم مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها به‌شمار می‌رود (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴). فرایند، کم‌توجهی به مقوله کارآفرینی و زایش تولیدات نوآورانه و نرخ پایین علاقه‌مندی به ثبت‌نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در برخی کشورها، به‌ویژه در کشورهای کمتر

توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضرورت بازاندیشی و اصلاح در این نظام را به صورت بسیار جدی مطرح ساخته است (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶). آنچه از شواهد پژوهشی‌های موجود استنباط شده، مؤید این است که دانش‌آموزانی که در عرصه تحصیل و یادگیری در مدارس موفق هستند، نسبت به دیگر دانش‌آموزان، نرخ اشتغال بیشتری داشته و در عرصه شغلی نیز موفق بوده‌اند.

✓ هنرجوی با کد ۱۵ می‌گوید: "به علت پایین بودن نمرات و معلم ناچار شدم این رشته تحصیلی را انتخاب کنم در حالی که هیچ علاقه‌ای به این رشته ندارم، تعدادی از دوستانم نیز مانند من بدون علاقه در رشته‌های دیگر به شاخه کار دانش روی آورده‌اند با آن که در این رشته، کارهایی را یاد می‌گیریم اما انگیزه‌ای برای ادامه کار ندارم".

✓ هنرآموزی با کد ۴ می‌گوید: "دانش‌آموزانی در هنرستان جذب می‌شوند که شرایط این رشته را ندارند، مثلاً خودم از کلاس ۱۰ گرفتم. یعنی ۸۰ درصد نمره قبولی از ریاضی پنجم گرفتم فقط چند نفر نمره بالای ۱۰ گرفتند. باید شرایط اولیه رشته را داشته باشد تا محاسبات زیادی دارند را به او درس دهم؟! باید شرایط اولیه رشته را داشته باشد تا بتواند پیشرفت کند".

عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت‌آموزی

زمان کارگاه‌های اکثر رشته‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای مناسب با محتوی کتب درسی نبود و از چند سال پیش با تعطیلی روزهای پنج‌شنبه، در هنرستان‌ها بیشتر ساعات کار کارگاهی کاهش یافت. با توجه به اهمیت مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها و نیز اضافه شدن مطالب جدید به کتب درسی کارگاهی، لازم است ساعات کارگاهی افزایش یابد که متأسفانه برعکس کاهش هم داشته است. این خود می‌تواند یکی از مشکلات مهارت‌آموزی هنرجویان باشد.

✓ هنرآموزی با کد ۱۴ می‌گوید: "زمان کافی برای آموزش مهارت نداریم. از وقتی پنج‌شنبه‌ها تعطیل شد. در هنرستان‌ها ساعات کار کارگاهی کاهش یافت و نمی‌شه با این زمان اندک و این دانش‌آموزان کم‌علاقه و بی‌انگیزه آموزش مهارت به درستی انجام شود و این باعث ضعف بنیه فنی، مهارتی و علمی دانش‌آموختگان میشه و در نهایت توان لازم برای کار فنی به عنوان یک تکنسین را ندارند".

✓ هنرجوی با کد ۳۰ می‌گوید: "زمان بعضی از کارگاه‌های مان خیلی کم است با این وسایل خراب، آقای مهندس معلم کارگاه بیشتر در کارگاه مشغول تعمیر و راه‌اندازی وسایل است تا ما بتوانیم کار کنیم. هنوز کارمان تمام نشده، وقت کارگاه تمام است و هفته آینده دوباره باید از اول کار را شروع کنیم، در نتیجه همان کارهای کتاب را نمی‌تونیم تمام کنیم چه رسه به کارای بیشتر و کاربردی‌تر".

دیدگاه منفی جامعه و والدین نسبت به هنرستان‌ها

وضعیت والدین (سطح تحصیلات، منزلت اجتماعی و درآمد) در گرایش کم‌دانش آموزان مستعد به رشته‌های فنی و حرفه‌ای نقش دارند. معمولاً والدین با سطح تحصیلات بالا، موقعیت شغلی برجسته، وضعیت اقتصادی خیلی خوب، سعی می‌کنند فرزندان خود را در رشته‌های نظری ثبت‌نام کنند، چون معتقد هستند که از طریق تحصیل در این رشته‌ها، فرزندان‌شان آینده بهتری دارند. نظرخواهی از دانش‌آموزان نیز این ادعا را تأیید می‌کند که (۶۶٪) دلیل انتخاب رشته‌های نظری را آینده بهتر می‌دانند. دانش‌آموزانی که میزان تحصیلات اولیای آن‌ها پایین‌تر از دیپلم بوده، نسبت به دانش‌آموزانی که میزان تحصیلات اولیای آن‌ها دیپلم و بالاتر از آن است، نظر مثبت‌تری به تحصیل در هنرستان‌های فنی دارند (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴).

✓ هنرجوی با کد ۳۹ عنوان می‌کند: "باید دید جامعه نسبت به رشته کار دانش و فنی و حرفه‌ای تغییر کنه چون بیشتر مردم فکر می‌کنند فقط دانش‌آموزان ضعیف و ناتوان تحصیلی در این رشته‌ها تحصیل می‌کنن، اما بعضی از دانش‌آموزان با علاقه به هنرستانا میان و موفقیت‌های خوبی هم دارن".

✓ هنرآموزی با کد ۸ می‌گوید: "باید نگاه مسئولین و مردم نسبت به هنرستان‌ها تغییر اساسی داشته باشه زیرا مسئولین در حرف هنرستان‌ها را مهم تلقی می‌کنند اما این دیدگاه فقط در حد حرفه و خیلی در عمل به آن پایبند نیستند و خانواده‌ها هم باید ارزش کارهای فنی را درک کنند تا بتوانیم کشور را از این تنگنای اقتصادی نجات دهیم".

عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته‌شده با نیازهای بازار کار

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور پردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم شود. تحقق

این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلیقی، ۱۳۸۲).

✓ سرپرست بخش یکی از هنرستان‌ها با کد ۱۰ می‌گوید "متأسفانه آموزش‌های کارگاهی به علت کمبود وسایل قابل استفاده، به صورت کامل و درست انجام نمی‌شود و این با نیازهای بازار واقعی کار تناسب ندارد، یعنی فارغ‌التحصیل این رشته‌ها مهارت لازم را برای انجام کار واقعی و تولیدی ندارد و به علت برگزاری دوره کارآموزی به صورت فرمالیته، متأسفانه هنرجو نمی‌تواند پس از اتمام دوره در هنرستان، به معنای واقعی وارد بازار کار شود، اگر در هنرستان مهارت‌آموزی به درستی انجام نشود که در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها اصلاً انجام نمی‌شود".

✓ هنرجوی با کد ۱۸ بیان می‌کند "من سال سوم هستم در سال دوم کارگاه سیم‌کشی ساختمان را گذرانده‌ام، در تابستان می‌خواستم خانه که تازه ساخته‌ایم را سیم‌کشی کنم. اما واقعاً نمی‌دانستم چه‌جوری شروع کنم، زیرا ما در روی تخته در کارگاه مدار بسته‌ایم، اما در فضای واقعی کار نکردیم تا رموز کار را یادگیریم و این از مشکلات کار ماست".

مشکل ادامه تحصیل

در مورد ادامه تحصیل، سقای سعیدی (۱۳۸۱) گزارش داده است که از نظر علاقه‌مندی به ادامه تحصیل، میان دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای و کار دانش، با دانش‌آموزان نظری (ریاضی، تجربی، انسانی) تفاوت معناداری وجود ندارد. شاید بتوان تمایل زیاد فارغ‌التحصیلان مدارس مهارت‌آموزی برای حضور در مقطع آموزش عالی را به علل دیگر مانند ضعف فرهنگی در نگاه مثبت به کار یدی، دستمزدهای پایین کارگران نیمه‌ماهر، منزلت و جایگاه اجتماعی نابرابر با سایر شغل‌های مرتبط با تحصیلات دانشگاهی دانست (نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به نتایج این پژوهش، نحوه ادامه تحصیل از طریق رشته‌های فنی و حرفه‌ای در گرایش کم دانش‌آموزان مستعد به این رشته‌ها نقش دارند (نقل از باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴). شرایط ادامه تحصیل برای تمام دانش‌آموختگان هنرستان‌ها فراهم نیست و در نظر نگرفتن آن‌ها برای شرکت و رقابت در کنکور سراسری هم از عوامل دیگری است که در کاهش انگیزه دانش‌آموزان در این رشته‌های تحصیلی مؤثر است.

✓ هنرآموزی با کد ۵ می‌گوید: "یکی از چالش‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها، عدم استقبال دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌ها است و یکی از دلایل اصلی

آن هم مشکل ادامه تحصیل در دانشگاه‌های معتبر است زیرا هنرجویان هنرستان‌ها، ابتدا باید وارد مقطع کاردانی در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای شوند و سپس به‌طور ناپیوسته وارد مقطع کارشناسی شوند. بنابراین، دانش‌آموزان با توان علمی بالا ترجیح می‌دهند از طریق رشته ریاضی و فیزیک، رشته فنی مورد علاقه خود را دنبال کنند تا از طریق هنرستان‌ها و روند پیچیده ادامه تحصیل آن."

✓ هنرجوی کد ۲۶ می‌گوید: "آمدن دانش‌آموزان مستعد به هنرستان اشتباه است، به دلیل اینکه جو رقابت خوبی در محیط هنرستان‌ها نیست و تازه من خودم که سال اول در استعدادهای درخشان بودم به خاطر علاقه‌ام به این رشته به هنرستان آمدم. اما یکاش نمی‌آمدم! اگر به رشته ریاضی می‌رفتم خیلی راحت در مقطع کارشناسی دانشگاهی به مراتب بهتر از آموزشکده‌ها پذیرفته می‌شدم، به همین خاطر تقریباً به تلاش بیشتر برای درس خواندن و کارهای عملی بی‌علاقه شدم."

عدم تبلیغ مناسب رسانه‌ها در اهمیت مهارت‌آموزی و ارزش کار تولیدی

با توجه به اهمیت مهارت‌آموزی و تربیت شهروند کارآفرین در هنرستان‌ها، باید همه نهادهای تأثیرگذار در جامعه اهمیت این مراکز و مراکز مشابه مانند مراکز آموزشی سازمان فنی و حرفه‌ای را فرهنگ‌سازی صحیح نموده تا جامعه و والدین با نگاه مثبت به کار و تولید، از ثبت نام فرزندان مستعد و علاقمند در این مراکز استقبال کنند و زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی در عمل فراهم شود. اما متأسفانه نه تنها فرهنگ‌سازی در جهت مثبت نشده است بلکه بعضی اوقات در خلاف جهت این اهداف هم کار شده است.

✓ مدیر یکی از هنرستان‌ها با کد ۲ می‌گوید: "متأسفانه جهت‌گیری رسانه‌ها در جهت کارآفرینی و نهادینه کردن فرهنگ کار و تولید در جامعه نیست. هنرستان‌ها هم در هیاهوی رشته‌های نظری جایگاه اصلی خود را در تبلیغات رسانه‌های کشور و شهر ندارند. البته کارهای تولیدی هم نسبت به کارهای دلالی و واسطه‌بازی خیلی وضع و حال خوبی ندارند. آنچنان تولید در زیر بار پرداخت مالیات، عوارض، بیمه و غیره کمر خم کرده که با این سیاست‌های در حد حرف نمی‌تواند کمر راست کند. و هنرستان‌ها هم که متولی تربیت نیروی فنی و متخصص برای صنعت کشور است در مقایسه با رشته‌های نظری مظلوم و مغفول است و باید به‌طور جدی در حرف، اقدام و عمل به فکر مهارت‌آموزی و ارزش کار تولیدی بود."

✓ هنرجوی با کد ۲۰ اظهار می‌دارد: "رشته‌های فنی در هنرستان‌ها مظلوم هستند. در زمان کنکور سراسری برای رشته‌های نظری ببینید تلویزیون چقدر برنامه برای

راهنمایی داوطلبان دارد! چقدر روزنامه‌ها و ... سطح جامعه پر از غوغای کنکور است. اما کنکور آموزش‌شکده‌های فنی برای هنرستانی‌ها را حتی خیلی از دبیران ما نمی‌دانند کی است! و یا خیلی از موارد دیگر، واقعاً به کار و تولید بهای چندانی نمی‌دهند، اندازه‌ای که به رشته فوتبالی با جزئیات آن در رسانه‌ها پرداخته می‌شود به مهارت‌آموزی و تولید و هنرستان‌های فنی و کاردانش نمی‌پردازند، این باعث بی‌انگیزگی و عدم رغبت به سوی هنرستان‌ها می‌شود، مگر از روی مجبوری!"

برای درک جامع و یکپارچه‌تر اطلاعات برگرفته از عبارات‌های ذکرشده از سوی هنرآموزان و هنرجویان در خصوص چالش‌های مهارت‌آموزی و الهام‌های برگرفته از آن، یافته‌های مزبور در قالب جدول (۱) تنظیم و تلخیص شده است.

جدول (۱) تلخیص دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت‌ها توسط هنرآموزان و هنرجویان در خصوص چالش‌های مهارت‌آموزی

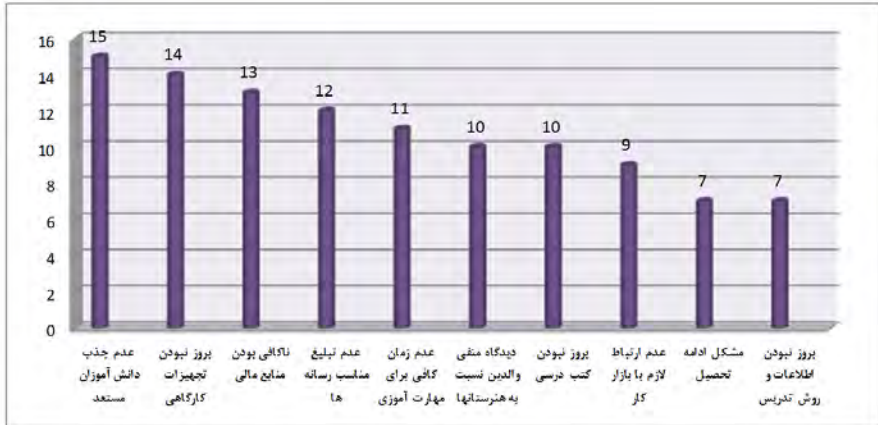
| دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان | عوامل به‌دست‌آمده |
|--|--|
| <p>هنرجوی با کد ۲۸ با اشاره به کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص بیان می‌کند: "برخی از دبیران برای تدریس از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند و گویی فقط برای انجام وظیفه در کلاس حاضر می‌شوند؛ در حالی که آن‌ها می‌توانند با آموزش صحیح و تشویق دانش‌آموزان، بین آن‌ها رقابت به‌وجود آورند و موجب یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی آنها شوند". معاون فنی یکی از هنرستان‌ها با کد ۱۲ می‌گوید: "ضمن تشکر و سپاس از همکارانی که با توان فنی و علمی بالا نهایت تلاش را در یادگیری بهتر کار توسط هنرجویان را دارند، متأسفانه همکارانی هم هستند که خیلی بی‌انگیزه به کلاس و کارگاه می‌روند و از روش‌های منسوخ‌شده قدیمی برای تدریس استفاده کرده و اصلاً به فکر بروز کردن اطلاعات و دانش فنی خود نیستند".</p> | <p>تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز</p> |
| <p>هنرآموزی با کد ۹ که ۲۸ سال سابقه تدریس دارد می‌گوید: "کتاب‌های درسی با پیشرفت علمی و صنعتی همراه نیست. مثلاً الان در کارگاه مهارتی را آموزش می‌دهم که حدود ۳۳ سال پیش خودم آموزش می‌دیدم. کتاب‌های درسی شاید چندین بار عوض شده اما فقط طرح روی جلد و یا فونت نوشتاری و یا تصویرها عوض شده. مثلاً از</p> | <p>بروز نبودن کتب درسی</p> |

| دریافت‌های الهام گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان | عوامل به‌دست آمده |
|---|--|
| <p>مهارت‌هایی گفته که الان منسوخ شده و روش‌های به روز و خیلی دقیق‌تری آمده. اما کتاب درسی متأسفانه هنوز در همان سی سال پیش است و گذر زمان را احساس نکرده". هنرجوی با کد ۱۷ می‌گوید: "کتاب‌های کارگاهی اصلاً به روز نیستند و خیلی تئوری نوشته شدن و جنبه عملی آنها کمتره".</p> | |
| <p>مدیر یکی از هنرستان‌ها با کد ۷ می‌گوید: "سرانه هر هنرجو ۵ سال پیش در یک سال تحصیلی حدود ۴۰ هزار تومان بوده و حالا پس از گذشت این مدت با توجه به تورم، حداقل باید به ۸۰ هزار تومان می‌رسید تا بتوانیم همان روال گذشته را داشته باشیم. اما متأسفانه رشد منفی داشته و به ازاء هر هنرجو به حدود ۱۰ هزار تومان رسیده که برای پرداخت قبوض و خرید وسایل ضروری اداری هم کافی نیست چه رسد به خرید تجهیزات نو و غیره". هنرجوی با کد ۲۲ می‌گوید: "چرا باید به هنرستان‌ها بودجه دولتی ندن که برای هر چیزی از ما باید پول بگیرن، در کارگاه حتی وسایل مصرفی کارگاه را باید خودمان پول بدیم، با آن وسایل خراب باز پول هم می‌گیرن، اما بیشتر وسایل خراب می‌باشند. چرا اینقدر در کشور اسراف و حیف و میل میشه، اما برای آموزش دانش‌آموز پول کافی به آموزش و پرورش نمی‌دهند".</p> | <p>ناکافی بودن منابع مالی</p> |
| <p>هنرجوی با کد ۲۸ با اشاره به کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص بیان می‌کند: "برخی از دبیران برای تدریس از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند و گویی فقط برای انجام وظیفه در کلاس حاضر می‌شوند؛ در حالی که آن‌ها می‌توانند با آموزش صحیح و تشویق دانش‌آموزان، بین آن‌ها رقابت به‌وجود آورند و موجب یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی آنها شوند". معاون فنی یکی از هنرستان‌ها با کد ۱۲ می‌گوید: "ضمن تشکر و سپاس از همکارانی که با توان فنی و علمی بالا، نهایت تلاش را در یادگیری بهتر کار توسط هنرجویان را دارند، متأسفانه همکارانی هم هستند که خیلی بی‌انگیزه به کلاس و کارگاه می‌روند و از روش‌های منسوخ‌شده قدیمی برای تدریس استفاده کرده و اصلاً به فکر به‌روز کردن اطلاعات و دانش فنی خود نیستن".</p> | <p>به روز نبودن اطلاعات و روش‌های آموزشی هنرآموزان</p> |

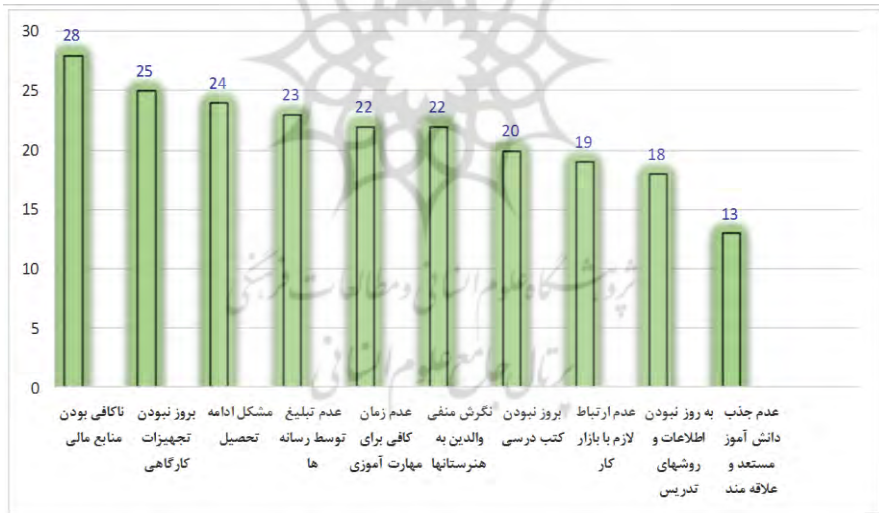
| دریافت‌های الهام گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان | عوامل به‌دست آمده |
|---|--|
| <p>هنرجوی با کد ۱۵ می‌گوید: "به علت پایین بودن نمرات و معدل ناچار شدم این رشته تحصیلی را انتخاب کنم در حالی که هیچ علاقه‌ای به این رشته ندارم، تعدادی از دوستانم نیز مانند من بدون علاقه در رشته‌های دیگر به شاخه کار دانش روی آورده‌اند با آن‌که در این رشته، کارهایی را یاد می‌گیریم اما انگیزه‌ای برای ادامه کار ندارم". هنرآموزی با کد ۴ می‌گوید: "دانش‌آموزانی در هنرستان جذب می‌شوند که شرایط این رشته را ندارند، مثلاً خودم از کلاس ریاضی پنجم دبستان امتحان گرفتم فقط چند نفر نمره بالای ۱۰ گرفتند. یعنی ۸۰ درصد نمره قبولی از ریاضی پنجم ابتدایی نگرفته، می‌خواهید با انگیزه پایینش! در اینجا من درس‌های فنی و مهارتی که محاسبات زیادی دارند را به او درس دهم؟! باید شرایط اولیه رشته را داشته باشد تا بتواند پیشرفت کند".</p> | <p>عدم جذب دانش‌آموز مستعد و علاقه‌مند</p> |
| <p>هنرآموزی با کد ۱۴ می‌گوید: "زمان کافی برای آموزش مهارت نداریم. از وقتی پنج‌شنبه‌ها تعطیل شد. در هنرستان‌ها ساعات کار کارگاهی کاهش یافت و همیشه با این زمان اندک و این دانش‌آموزان کم‌علاقه و بی‌انگیزه آموزش مهارت به‌درستی انجام شود و این باعث ضعف بنیه فنی، مهارتی و علمی دانش‌آموختگان میشه و در نهایت توان لازم برای کار فنی به عنوان یک تکنسین را ندارند". هنرجوی با کد ۳۰ می‌گوید: "زمان بعضی از کارگاه‌های مان خیلی کم است با این وسایل خراب، آقای مهندس ... معلم کارگاه بیشتر در کارگاه مشغول تعمیر و راه‌اندازی وسایل است تا ما بتوانیم کار کنیم. هنوز کارمان تمام نشده، وقت کارگاه تمام است و هفته آینده دوباره باید از اول کار را شروع کنیم، در نتیجه همان کارهای کتاب را نمی‌تونیم تمام کنیم چه رسه به کارای بیشتر و کاربردی‌تر".</p> | <p>عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت‌آموزی</p> |
| <p>هنرجوی با کد ۳۹ عنوان می‌کند: "باید دید جامعه نسبت به رشته کار دانش و فنی و حرفه‌ای تغییر کنه چون بیشتر مردم فکر می‌کنند فقط دانش‌آموزان ضعیف و ناتوان تحصیلی در این رشته‌ها تحصیل میکنن، اما بعضی از دانش‌آموزان با علاقه به هنرستانا میان و موفقیت‌های خوبی هم دارن". هنرآموزی با کد ۸ می‌گوید: "باید نگاه مسئولین و مردم نسبت به هنرستان‌ها تغییر اساسی داشته باشه زیرا مسئولین در حرف هنرستان‌ها را</p> | <p>دیدگاه منفی جامعه و والدین نسبت به هنرستان‌ها</p> |

| دریافت‌های الهام گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان | عوامل به‌دست آمده |
|--|--|
| <p>مهم تلقی می‌کنند اما این دیدگاه فقط در حد حرفه و خیلی در عمل به آن پایبند نیستند و خانواده‌ها هم باید ارزش کارهای فنی را درک کنند تا بتوانیم کشور را از این تنگنای اقتصادی نجات دهیم."</p> | |
| <p>سرپرست بخش یکی از هنرستان‌ها با کد ۱۰ می‌گوید "متأسفانه آموزش‌های کارگاهی به علت کمبود وسایل قابل استفاده، به‌صورت کامل و درست انجام نمی‌شود و این با نیازهای بازار واقعی کار تناسب ندارد، یعنی فارغ‌التحصیل این رشته‌ها مهارت لازم را برای انجام کار واقعی و تولیدی ندارد و به علت برگزاری دوره کارآموزی به‌صورت فرمالیته، متأسفانه هنرجو نمی‌تواند پس از اتمام دوره در هنرستان، به معنای واقعی وارد بازار کار شود، اگر در هنرستان مهارت‌آموزی به درستی انجام نشود که در آموزشکده‌ها و دانشگاه‌ها اصلاً انجام نمی‌شود". هنرجوی با کد ۱۸ بیان می‌کند "من سال سوم هستم در سال دوم کارگاه سیم‌کشی ساختمان را گذرانده‌ام، در تابستان می‌خواستم خانه که تازه ساخته‌ایم را سیم‌کشی کنم. اما واقعاً نمی‌دانستم چه جوری شروع کنم، زیرا ما در روی تخته در کارگاه مدار بسته‌ایم، اما در فضای واقعی کار نکردیم تا رموز کار را یادگیریم و این از مشکلات کار ماست".</p> | <p>عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته‌شده با نیازهای بازار کار</p> |
| <p>هنرآموزی با کد ۵ می‌گوید: "یکی از چالش‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها، عدم استقبال دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌ها است و یکی از دلایل اصلی آن هم مشکل ادامه تحصیل در دانشگاه‌های معتبر است زیرا هنرجویان هنرستان‌ها، ابتدا باید وارد مقطع کاردانی در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای شوند و سپس به‌طور ناپیوسته وارد مقطع کارشناسی شوند. بنابراین، دانش‌آموزان با توان علمی بالا ترجیح می‌دهند از طریق رشته ریاضی و فیزیک، رشته فنی مورد علاقه خود را دنبال کنند تا از طریق هنرستان‌ها و روند پیچیده ادامه تحصیل آن". هنرجوی کد ۲۶ می‌گوید: "آمدن دانش‌آموزان مستعد به هنرستان اشتباه است، به دلیل اینکه جو رقابت خوبی در محیط هنرستان‌ها نیست و تازه من خودم که سال اول در استعدادهای درخشان بودم به خاطر علاقه‌ام به این رشته به هنرستان آمدم. اما یکاش نمی‌آمدم! اگر به رشته ریاضی می‌رفتم خیلی</p> | <p>مشکل ادامه تحصیل</p> |

| دریافت‌های الهام گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان | عوامل به‌دست آمده |
|---|--|
| <p>راحت در مقطع کارشناسی دانشگاهی به مراتب بهتر از آموزشکده‌ها پذیرفته می‌شدم، به همین خاطر تقریباً به تلاش بیشتر برای درس خواندن و کارهای عملی بی‌علاقه شدم."</p> | |
| <p>مدیر یکی از هنرستان‌ها با کد ۲ می‌گوید: "متأسفانه جهت‌گیری رسانه‌ها در جهت کارآفرینی و نهادینه کردن فرهنگ کار و تولید در جامعه نیست. هنرستان‌ها هم در هیاهوی رشته‌های نظری جایگاه اصلی خود را در تبلیغات رسانه‌های کشور و شهر ندارند. البته کارهای تولیدی هم نسبت به کارهای دلالی و واسطه‌بازی خیلی وضع و حال خوبی ندارند. آنچنان تولید در زیر بار پرداخت مالیات، عوارض، بیمه و غیره کمر خم کرده که با این سیاست‌های در حد حرف نمی‌تواند کمر راست کند. هنرستان‌ها هم که متولی تربیت نیروی فنی و متخصص برای صنعت کشور است، در مقایسه با رشته‌های نظری مظلوم و مغفول است و باید به‌طور جدی در حرف، اقدام و عمل به فکر مهارت‌آموزی و ارزش کار تولیدی بود".</p> <p>هنرجوی با کد ۲۰ اظهار می‌دارد: "رشته‌های فنی در هنرستان‌ها مظلوم هستند. در زمان کنکور سراسری برای رشته‌های نظری بینید تلویزیون چقدر برنامه برای راهنمایی داوطلبان دارد. چقدر روزنامه‌ها و ... سطح جامعه پر از غوغای کنکور است. اما کنکور آموزشکده‌های فنی برای هنرستانی‌ها را حتی خیلی از دبیران ما نمی‌دانند کی است! و یا خیلی از موارد دیگر. واقعاً به کار و تولید بهای چندانی نمی‌دهند، اندازه‌ای که به رشته فوتبال با جزئیات آن در رسانه‌ها پرداخته می‌شود، به مهارت‌آموزی و تولید و هنرستان‌های فنی و کاردانش نمی‌پردازند، این باعث بی‌انگیزگی و عدم رغبت به سوی هنرستان‌ها می‌شود. مگر از روی اجبار".</p> | <p>عدم تبلیغ مناسب رسانه‌ها در اهمیت مهارت‌آموزی و ارزش کار تولیدی</p> |



نمودار (۲) مهم‌ترین چالش‌های مهارت‌آموزی از دیدگاه هنرآموزان به ترتیب فراوانی



نمودار (۳) مهم‌ترین چالش‌های مهارت‌آموزی از دیدگاه هنرجویان به ترتیب فراوانی

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از شاخص‌های پیشرفت صنعتی، تربیت نیروی متخصص در رده‌های مختلف فنی است. هر کشوری که بتواند هم‌زمان با رشد صنعتی و فنی، نیروی فنی موردنیاز خود را نیز تربیت کند، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. دلایل تشکیل نظام آموزش‌های مهارتی (مهارت‌آموزی) در ایران با دلایل تشکیل این نظام در سایر کشورها تفاوت چندانی ندارد. در ایران نیز، نیاز صنایع به کارکنان ماهر و نیمه‌ماهر و حرکت در راستای کاهش شکاف میان مدرسه و کار از مهم‌ترین دلایل تشکیل این نظام بوده است (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور پردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم شود. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلیقی، ۱۳۸۲).

تأملی بر نتایج برگرفته از مصاحبه با هنرآموزان و هنرجویان، نشان می‌دهد که شکل‌گیری بسیاری از چالش‌ها در روند مهارت‌آموزی که می‌تواند مشکلات فراوانی در زمینه توانایی فنی و علمی هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای ایجاد کند که این چالش‌ها عبارتند از:

اولین چالش مهارت‌آموزی؛ تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز می‌باشد. تجهیزات فرسوده و یا ناقص مانع یاددهی و یادگیری کامل مهارت می‌شود. این مسئله باعث اتلاف وقت و نیز دلسردی هنرآموز و هنرجو از ادامه کار می‌شود. مطالعه سالاری (۱۳۷۵)، نشان داد کمبود و مجهز نبودن کارگاه‌ها در مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش از دیگر موانع شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش است. همچنین، با پژوهش میرصنایع (۱۳۷۷)، نوریخس (۱۳۷۲) همسو است. یعنی تفاوت معنی‌داری بین وضعیت موجود هنرستان‌ها با وضعیت استاندارد وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت امکانات و تجهیزات هنرستان‌ها فرسوده و از رده خارج است و حتی پاسخگوی نیاز جمعیت کنونی هنرجویان هنرستان‌ها هم نیست. اصل آموزش در

هنرستان‌ها تجهیزات است، تجهیزات هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای سال به سال تغییر می‌کند و اگر تجهیزات به روز نشود، هنرستان‌ها تعطیل می‌شوند.

دومین چالش مهارت‌آموزی؛ به روز و عملی نبودن کتب درسی است. وقتی کتاب‌های کارگاهی مطابق پیشرفت علمی روز دنیا باشد و نحوه نگارش آنها نیز جنبه عملی داشته باشد، می‌تواند در علاقمندی هنرجویان و خلاقیت آنها تأثیر داشته باشد. متأسفانه کتب کارگاهی توسط اساتید محترمی نوشته می‌شود که شاید حتی یک‌سال هم در هنرستان‌ها این مهارت را تدریس نکرده‌اند و به همین خاطر بیشتر نگاه مؤلف به جنبه تئوری مباحث است.

سومین چالش مهارت‌آموزی؛ ناکافی بودن منابع مالی است. یکی از مشکلات عدیده‌ای که آموزش و پرورش و به‌خصوص هنرستان‌ها همیشه با آن مواجه هستند، کمبود منابع مالی برای اجرای طرح‌های آموزشی و تربیتی است. به خصوص در ۵ سال اخیر که کمبود اعتبارات به یکی از چالش‌های مهم هنرستان‌ها تبدیل شده است. وقتی سرانه پرداخت‌شده به یک مدرسه برای پرداخت قبوض آب، برق، گاز، تلفن و خرید ملزومات اداری کافی نیست، چه انتظاری از مدیران هنرستان‌ها برای مهیا کردن زمینه مساعد جهت مهارت‌آموزی هنرجویان و نیز پیشرفت علمی و تربیتی آنها داریم!

چهارمین چالش مهارت‌آموزی؛ به روز نبودن اطلاعات و روش‌های آموزشی هنرآموزان است. ریشه بسیاری از مشکلات آموزشی و تربیتی به کلاس درس و به‌ویژه به روش‌ها و فنون تدریس مورد استفاده معلم بر می‌گردد. هر انسانی به نحوی دارای شایستگی، هوش و استعداد است؛ اما مشکل ما (به عنوان مربیان آموزشی) این است که توان و استعداد فراگیران را کمتر مورد بررسی و شناسایی قرار داده‌ایم. انتخاب و استفاده از روش مناسب تدریس برای موضوعات و مواد مختلف درسی می‌تواند ذهن دانش‌آموز و دانشجو را به خود جلب کند و در شناخت، شکوفایی و توسعه استعدادها به آنان یاری رساند (عبداللهی، ۱۳۹۱).

پنجمین چالش مهارت‌آموزی؛ عدم جذب دانش‌آموز مستعد و علاقمند به هنرستان‌ها است. پیشنهاد راهکارهایی به‌منظور اصلاح وضع موجود به‌ویژه کیفیت ورودی دانش‌آموزان ثبت‌نامی و در نتیجه بهبود وضعیت یادگیری هنرجویان ضروری به نظر می‌رسد. زیرا به خاطر اینکه دانش‌آموزان ثبت‌نامی در هنرستان‌ها از معدل درسی پائینی برخوردار هستند، به خاطر ضعف درسی و احتمالاً عدم قبولی در یک یا چند

درس، زمینه یادگیری مطالب جدیدی که در راستای مطالب سال قبل است را ندارند و به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل افت تحصیلی هنرستان‌ها، ثبت نام دانش‌آموزان ضعیف درسی (به‌خصوص در دروس ریاضی و فیزیک) است و به‌خاطر اینکه دروس تخصصی و کارگاهی هنرستان‌ها بر پایه محاسبات ریاضی بنا نهاده شده، دانش‌آموزان ضعیف درسی نمی‌توانند موفقیت چندانی در دروس تخصصی و کارگاهی کسب کنند (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴).

ششمین چالش مهارت‌آموزی؛ عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت‌آموزی است. باید زمان لازم و کافی برای یادگیری مهارت اختصاص داده شود. متأسفانه در سال‌های اخیر افزایش حجم کتاب‌های کارگاهی از یک سو و کاهش ساعات کارگاهی از دیگر سو، مشکل مهارت‌آموزی را دو چندان کرده است.

هفتمین چالش مهارت‌آموزی؛ دیدگاه منفی جامعه و والدین نسبت به هنرستان‌ها است. رادیش^۱ (۱۹۹۷) معتقد است خانواده، به ویژه پدر و مادر، در امر تحصیل فرزندان، شامل: پیشرفت تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی فرزندان خود، دخالت می‌کنند. گاه این دخالت‌ها مناسب و در پیشرفت و جهت‌گیری صحیح فرزند مؤثر است، ولی گاهی این دخالت‌ها موجب عقب‌ماندگی و یا انتخاب نادرست می‌شود که نتیجه آن نارضایتی و عدم موفقیت خواهد بود. مشکلات اقتصادی، اختلافات خانوادگی، جدایی والدین، تبعیض بین فرزندان، کنترل دختران در برابر پسران، تسلط بیش از حد والدین، مرگ والدین، بی‌سوادی والدین و ... نیز بر روی انتخاب فرد اثر می‌گذارد. دانش‌آموز بایستی، با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد به انتخاب رشته تحصیلی و شغل متناسب با شرایط زندگی خود بپردازد. به‌طوری‌که بتواند هم به علایق و آرزوهای واقعی خود جامه عمل بپوشاند و هم براساس توانایی‌ها و استعدادهاش موقعیت بهتری را در زندگی اتخاذ کند.

هشتمین چالش مهارت‌آموزی؛ عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته‌شده با نیازهای بازار کار است. در همین راستا نفیسی (۱۳۷۹)؛ جعفری (۱۳۷۱)؛ امرسون و یانگ (۱۹۸۲)؛ کروود و ستارسن (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیدند که نظام آموزشی با مشکل فقدان ارتباط و تناسب لازم بین برنامه‌های آموزشی و نیازهای محیط روبه‌رو شده است (به نقل از کاووسی، ۱۳۸۷). این پژوهش نشان داد که در هر دو بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، نسبت‌های اشتغال در میان دو گروه

فارغ‌التحصیلان پسر و دختر یکسان نیست. معلوم شد که به‌طورکلی در گروه نمونه فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای، ۷۸/۵٪ از دختران و ۴۱/۳٪ از پسران و در گروه نمونه فارغ‌التحصیلان کاردانش، ۸۴٪ از دختران و ۵۴/۱٪ از پسران بیکارند (همان منبع). خلاقیت (۱۳۸۱)، زیباکلام مفرد (۱۳۶۵)، فرشاد (۱۳۷۴)، و جمال‌فر (۱۳۶۶)، در پژوهش‌های خود، یکی از اساسی‌ترین تنگناهای آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را عدم انطباق با نیازها و عدم توانایی در پاسخگویی به نیازهای صنعت و عدم ارتباط با این بخش برشمرده‌اند. صفار حیدری (۱۳۷۰)، نیز در مقایسه‌ای تطبیقی میان نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای ایران و ژاپن نتیجه گرفت که نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای ایران با نیازهای جامعه بیگانه است. درحالی‌که در کشور ژاپن، عموماً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از بستر نیاز جامعه در بخش‌های صنعتی و خدماتی منشعب می‌شود.

نهمین چالش مهارت‌آموزی؛ مشکل ادامه تحصیل هنرجویان در دانشگاه‌های معتبر است. در مورد ادامه تحصیل، سقایی سعیدی (۱۳۸۱) گزارش داده است که از نظر علاقه‌مندی به ادامه تحصیل، میان دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای و کاردانش، با دانش‌آموزان نظری (ریاضی، تجربی، انسانی) تفاوت معناداری وجود ندارد. شاید بتوان تمایل زیاد فارغ‌التحصیلان مدارس مهارت‌آموزی برای حضور در مقطع آموزش عالی را به علل دیگر مانند ضعف فرهنگی در نگاه مثبت به کار یدی، دستمزدهای پایین کارگران نیمه‌ماهر، منزلت و جایگاه اجتماعی نابرابر با سایر شغل‌های مرتبط با تحصیلات دانشگاهی دانست (نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به نتایج این پژوهش، نحوه ادامه تحصیل از طریق رشته‌های فنی و حرفه‌ای در گرایش کم دانش‌آموزان مستعد به این رشته‌ها نقش دارند. این نتیجه با تحقیق، مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) که معتقدند حساسیت والدین بیشتر در مورد هنرستان‌ها است که فرزندان خویش را از رفتن به رشته‌های موجود در هنرستان‌ها منع کرده و دلیلشان برای این ممانعت، شانس کم قبولی در دانشگاه‌ها و محیط نامناسب هنرستان‌ها است و اکثر دانش‌آموزان نیز تمایل زیادی به ادامه تحصیل در دانشگاه دارند، مطابقت دارد. به دلیل اینکه فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها نمی‌توانند در آزمون سراسری دانشگاه‌ها شرکت کنند و مستقیماً در مقطع کارشناسی پذیرفته شوند، این عاملی است که دانش‌آموزان مستعد از آمدن به هنرستان‌ها امتناع می‌کنند و به دلیل اینکه پس از فارغ‌التحصیلی دوره کاردانی، ظرفیت پذیرش دوره‌های کارشناسی ناپیوسته در دانشگاه‌های دولتی خیلی محدود است و نیز امکان انتخاب دانشگاه‌های معتبری همچون صنعتی شریف، تهران،

علم و صنعت، امیرکبیر ... را ندارند، معمولاً دانش‌آموزان مستعد که به رشته‌های مهندسی علاقه‌مند هستند به رشته ریاضی فیزیک می‌روند و از این طریق اهداف خود را دنبال می‌کنند.

دهمین چالش مهارت‌آموزی؛ عدم تبلیغ مناسب رسانه‌ها در اهمیت مهارت‌آموزی و ارزش کار تولیدی. رسانه‌ها دیداری و شنیداری و مکتوب نقش بسیار مهمی در سوق افکار جامعه بسوی هدف و فرهنگ‌سازی دارند، در این سال‌ها که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی به‌عنوان بهترین راهبرد برای مقابله با تنگناهای اقتصادی کشور یاد می‌کنند. در راستای همین هدف، رسانه‌ها و به‌خصوص رسانه ملی باید با برنامه‌های متنوع، جذاب و مخاطب‌پسند، بتوانند افکار جامعه را به سمت و سوی کارهای تولیدی سوق داده و در همین راستا نقش آموزش‌های مهارتی که از سوی آموزش فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌های فنی و کاردانش ارائه می‌شود را پررنگ و برجسته کنند و با تمام توان از این مراکز حمایت کنند.

پیشنهادها

با توجه به تجربیات محقق، از تدریس و مدیریت در هنرستان‌ها و مصاحبه عمیق با هنرآموزان، مدیران، معاونین و هنرجویان در مورد چالش‌های هنرستان‌ها در خصوص مهارت‌آموزی و راهکارهای ارائه‌شده از سوی آنان در خصوص مسائلی از قبیل؛ بهبود کیفیت آموزشی، محتوای منابع درسی، قوانین و مقررات آموزشی، افزایش توان مهارتی و کارآفرینی هنرجویان و چالش‌های آن، مطالب زیر را برای بهبود شاخص‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها پیشنهاد می‌شود:

✓ برای بهبود کیفیت آموزشی، باید زمینه حضور دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند را در هنرستان‌ها فراهم کنیم که در شروع فرایند ثبت‌نام باید با هدایت تحصیلی درست و مناسب، دانش‌آموزان با توجه به استعداد، توانایی و علاقه آن‌ها از سوی مشاورین خبره و آگاه به اهمیت رشته‌های فنی انجام گیرد.

✓ محتوای منابع تخصصی درسی (نظری و عملی) باید به‌روز شوند. بعضی از مطالب کتب کارگاهی خیلی قدیمی است درحالی‌که در رشته‌های فنی انتظار هنرآموزان و هنرجویان این است که سرفصل‌های آموزشی مطابق پیشرفت علمی به‌روز باشند. برای تألیف و یا بازنگری در کتاب‌های درسی تخصصی هر رشته، بهتر است از هنرآموزان موفق سطح کشور دعوت به عمل آید تا در کارگروه‌های تخصصی ضمن بررسی منابع درسی موجود با آخرین پیشرفت‌های علمی رشته، به معنای واقعی محتوای کتاب بازنگری شود.

✓ بعضی قوانین آموزشی که در مهر و موم‌های اخیر تغییر کرده باید احیاء مجدد شوند، مثل حذف مردودی پایه اول دبیرستان از نظام آموزشی که موجب شده است، کسانی که توانایی ادامه تحصیل را ندارند سه سال وقت صرف کنند، اما پس از سه سال تحصیل در هنرستان، نه مهارت فنی چندانی دارند و نه سواد قابل و نمی‌توانند مدرک قابل قبولی کسب کنند؛ بنابراین سه سال از بهترین ایام عمرشان هدر می‌رود.

✓ باید برای آموزش و پرورش و به‌خصوص برای هنرستان‌ها به مقدار کافی و لازم هزینه کرد، با توجه به سخنان حکیمانه رهبر معظم انقلاب که می‌فرمایند، «حمایت همه‌جانبه از دستگاه عظیم آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری مؤثر برای آینده درخشان فرزندان ملت و پیشرفت پرشتاب مادی و معنوی ایران عزیز است» (نقل از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار معلمان مورخه ۱۳۹۳/۲/۱۷)، اما متأسفانه این توصیه‌های مهم در حد شعار مانده و مسئولین اجرایی و قانون‌گذاری فکری اساسی برای رفع مشکلات آموزش و پرورش نکرده‌اند.

✓ پیشنهاد می‌شود که وزارت آموزش و پرورش به‌منظور ترویج روحیه کارآفرینی و توسعه آن در بین دانش‌آموزان، اقدام به تشکیل انجمن دانش‌آموختگان کارآفرین کند تا از این طریق ارتباط آن‌ها بعد از فراغت از تحصیل نیز با مدرسه قطع نشود.

✓ به دلیل اینکه هدف اصلی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تأمین نیروی متخصص موردنیاز صنعت در سطح مهندسیین کاربردی و تکنسین درجه ۱ و ۲ است؛ بنابراین، باید امتیازاتی برای فارغ‌التحصیلان این مراکز، با توان فنی و مهارتی قابل قبول پیش‌بینی شود؛ و برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینی در بین فارغ‌التحصیلان هنرستانی، برنامه جامعی برای حمایت مادی و معنوی از این افراد با کمک بخش‌های صنعتی و بانک‌ها طراحی و تدوین شود تا از طرح‌ها و پروژه‌های فارغ‌التحصیلان کارآفرین حمایت همه‌جانبه شود.

✓ باید با بسیج امکانات صدا و سیما و رسانه‌های شنیداری و مکتوب ملی و محلی، فرهنگ‌سازی لازم در جهت حمایت از اقتصاد مقاومتی که مورد تأکید مقام معظم رهبری و دولت تدبیر و امید می‌باشد، به عمل آید. یکی از مصداق‌های این، حمایت کامل در حرف، تصمیم و اقدام از مراکز تولیدی و مراکز آموزشی مهارت‌آموزی مثل هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و مراکز آموزشی سازمان فنی و حرفه‌ای است.

✓ استفاده از روش‌های فعال تدریس در کلاس از سوی دبیران و هنرآموزان محترم با برگزاری دوره‌های کاربردی آموزش ضمن خدمت برای آنان.

منابع

- امین بیدختی، ع؛ و دارائی، م. (۱۳۹۰) بررسی علل گرایش کم‌دانش آموزان دختر مستعد به رشته علوم انسانی در دبیرستان‌های شهر سمنان، فصل‌نامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۵)، ۲۸-۱.
- بازرگان، ع. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- بازرگان، ع. (۱۳۸۴). ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تأکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی. (مجموعه مقالات) علوم تربیتی: به مناسبت نکوداشت دکتر علی محمد کاردان (صص ۳۸-۵۰). تهران: انتشارات سمت.
- باقری فر، ع. ا؛ و صالحی، ک. (۱۳۹۴). بررسی میزان استقبال دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای تربت‌حیدریه در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴، چکیده مقالات همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- خاتمی، ع و شاه‌حسینی، ح. (۱۳۹۱) وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش، فصل‌نامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره یکم، ۹۵-۱۱۶.
- خلاق، ع. ا. (۱۳۸۲) ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا: درس‌هایی برای اصلاح و آموزش فنی و حرفه‌ای ایران، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی شماره ۵، سال دوم. ۸۱-۶۵.
- درانی، ک؛ و صالحی، ک. (۱۳۸۵). ارزشیابی هنرستان‌های کار و دانش با استفاده از الگوی سیپ (CIPP) به‌منظور پیشنهاد چارچوبی برای بهبود کیفیت هنرستان‌های کاردانش: موردی از هنرستان‌های منطقه ۲ شهر تهران، ۳۶(۱). ۱۴۳-۱۶۶.
- انوری، ز؛ شهبادی، ع. ا؛ عنایتی، چ؛ خاتمی، ع؛ و امتیاز جو، م. (۱۳۸۳) معرفی و شناخت شاخه فنی و حرفه‌ای شهر تهران، تهران: سازمان آموزش و پرورش.
- زین‌آبادی، ح. ر؛ صالحی، ک و پرند، ک. (۱۳۸۶). دختران و آموزش فنی و حرفه‌ای: ارزیابی کیفیت ابعاد فردی، اجتماعی و اقتصادی بروندهای هنرستان‌های فنی حرفه‌ای دخترانه شهر تهران، پژوهش زنان، ۵(۲)، ۱۲۹-۱۶۴.

ساداتی، م و قهرمان، آ. (۱۳۹۰). مقایسه وضعیت دانش‌آموزان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و مدارس کاردانش به لحاظ تطبیق مؤلفه‌های آموزش با استاندارد،

فصل‌نامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم، ۸۰-۶۳.

سقای سعیدی، ج. (۱۳۸۱). راه‌های ترغیب دانش‌آموزان به انتخاب رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.

صادقی فسایی، س؛ و ایتاری، م. (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳، ۳۰-۵.

صالحی، ک؛ بازرگان، ع؛ صادقی، ن؛ و شکوهی‌یکتا، م. (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای طرح ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. فصل‌نامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵ (۹)، ۵۹-۹۹.

صالحی، ک؛ زین‌آبادی، ح. ر؛ و پرنده، ک. (۱۳۸۸). کاربرد رویکرد سیستمی در ارزشیابی هنرستان فنی و حرفه‌ای: موردی از ارزشیابی هنرستان فنی و حرفه‌ای دخترانه شهر تهران، ۲۹ (۸)، ۱۵۲-۲۰۳.

صالحی، ک؛ زین‌آبادی، ح. ر؛ و کیامنش، ع. (۱۳۸۶). نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستان‌های کاردانش: موردی از ارزشیابی کیفیت بروندهای هنرستان‌های کاردانش منطقه ۲ تهران، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۶)، ۱۱۹-۱۶۳.

صدوقی، م. (۱۳۸۷). معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی، فصل‌نامه علمی پژوهشی، روش‌شناسی علوم تربیتی، سال ۵۶، شماره ۱۴، صص ۷۲-۵۵.

عبداللهی، ح. (۱۳۹۱). درآمدی بر روش‌ها، فنون و مهارت‌های تدریس، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

عیسی خانی، ا. (۱۳۹۳). آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال / جلد هفتم، (مجموعه مقالات) سومین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، تهران: مؤسسه نقش‌آفرینان بابکان، ۲۰-۹.

کشتی آرای، ن؛ یوسفی، ع. ر؛ و موسوی، س. (۱۳۹۱). تناسب نیازهای بخش صنعت با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هنرستان‌های دخترانه و پسرانه: موردی از مطالعه شهرستان فلاورجان، فصل‌نامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۸-۱۱۹.

کاوسی، ط. (۱۳۸۷) رابطه آموزش‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای با اشتغال در استان آذربایجان شرقی، دو فصل‌نامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱، شماره ۱، ۸۳-۹۳.

مرادی، ا؛ و اخوان تختی، م. (۱۳۹۲)، بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن، فصل‌نامه روان‌شناسی تربیتی، شماره بیست و هشتم، سال نهم، تابستان ۹۲، ۱۳۸-۱۲۱.

هرندی، ف؛ و فلاح محسن خانی، ز. (۱۳۸۶). اشتغال جوانان و چالش‌های آن، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۴۶-۱۳۳.

